

آثار و پیامدهای فرهنگی عضویت ایران در گات

مجری طرح: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس
کارفرما: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مسئول طرح: دکتر فرشاد مومنی

خلاصه‌ای از نتایج و کلیات تحقیق:

گات بعنوان یک نهاد اقتصادی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین مساله عضویت یا عدم عضویت کشورها در آن علی‌القاعده می‌بایست به اعتبار و زیان‌های اقتصادی احتمالی مورد ارزیابی قرار گیرد.

ارزیابی این‌گونه مسائل برای گروه کشورهای توسعه یافته اساساً موضوعیت ندارد زیرا آنها خود ایجادکننده گات بوده‌اند و مطالعات تاریخی نیز نشان‌دهنده آن است که توافقی‌های بین‌المللی سالهای اولیه بعد از جنگ جهانی دوم در زمینه تاسیس یک سازمان بین‌المللی تنظیم‌کننده روابط تجاری بین کشورها در کنار موسساتی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه به شکست انجامید، زیرا در پیش‌نویس اولیه آن حساسیت و توجهاتی وجود داشت که از دیدگاه کشورهای توسعه یافته ناخوشایند ارزیابی می‌شد. حساسیت‌هایی از قبیل متناسب نمودن روند تحولات قیمت کالاهای ساخته شده صنعتی با روند تحولات قیمت مواد خام و تاکید بر توازن قدرت خرید صادرکنندگان مواد مزبور با صادرکنندگان کالاهای ساخته شده و نیز آنچه را که در بخش پنجم از منشور هاوانا مطرح گشته و در آن به موضوع اعمال تحدیدی در مورد شرکتها و بنگاه‌های چند ملیتی پرداخته شده بود را می‌توان در زمره اینگونه موارد بشمار آورد.

بنابراین کشورهای پیشرفته صنعتی نهادی بنام گات را ایجاد کرده‌اند که در آن تجارت آزاد محور اصلی اقتصاد بین‌المللی باشد، درحالی‌که برای کشورهای توسعه نیافته مساله اساساً بشکل دیگری مطرح است. این کشورها بدون استثنا هرکدام تجربه سالیان بسیار طولانی آزادسازی تجاری را چه در دوران حاکمیت استعمار، چه پس از کسب استقلال سیاسی با خود به همراه دارند، تجربه‌ای که سرانجام با آن عبارت «توسعه توسعه نیافتگی» جمع‌بندی شده است. از طرف دیگر بخصوص از دوران انقلاب صنعتی به بعد، ابتدا اروپاییان و بعدها آمریکایی‌ها همواره برای اثبات برتری مطلق فرهنگی سیاسی خود، و القای ضرورت تقلید و تبعیت بی‌چون و چرای دیگران از خود، به دستاوردهای شگفت‌انگیز اقتصادی غرب استناد می‌کرده‌اند. به عبارت دیگر زمینه‌سازی برای ایمان آوردن نخبگان و روشنفکران جهان سومی به برتری مطلق و همه‌جانبه غرب و ضرورت انقیاد بی‌چون و چرا در برابر آنچه آنها می‌خواهند و فراموش کردن و نفی انکار هویت خودی اساساً با اتکا بر دستاوردهای اقتصادی صورت پذیرفته است. این مساله در شرایط کنونی وضعیتی بسیار استثنایی پیدا کرده و دلیل آن «ادغام جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی سلطه» است.

گزارش حاضر به ۵ بخش تقسیم می‌شود:

در فصل اول ابتدا خاستگاه تاریخی گات، محتوای موافقت‌نامه اولیه و روند تغییراتی که طی سالهای بعد از موافقت‌نامه بوجود آمده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه قواعد بنیادین گات همراه باموارد استثنایی که در هر یک از قواعد بنیادین پیش‌بینی شده است، معرفی می‌گردد و بدنبال آن دوره‌های گات به اعتبار روند مواجهه باموانع غیرتعارف‌ای به بحث گذاشته می‌شود. سپس استثنائات عام و نیز انعطاف‌هایی که بدنبال تشکیل کنفرانس سازمان ملل متحد درباره تجارت و توسعه در مقررات گات پدید آمد معرفی می‌گردند و بالاخره ساختار و نحوه عمل گات تشریح می‌گردد. همچنین در فصل پنجم این تحقیق، ابتدا به کلیاتی از مباحث فرهنگی در گات اشاره شده و در ادامه آینده صنایع فرهنگی ایران در صورت عضویت در سازمان تجارت جهانی مورد بررسی قرار گرفته که برخی ارنایج حاصل از این بررسی عبارتند از:

۱- وضعیت فرهنگی ایران در قیاس با کشورهای دیگر، حتی کشورهای در حال توسعه براساس شاخص‌های فرهنگی، وضعیتی نامناسب و فقیرانه است و جمهوری اسلامی ایران با چنین وضعیتی قادر به حضور در صحنه رقابت بازار آزاد تجارت فرهنگی نیست.

۲- سینمای ایران با بهره‌گیری از فرصت ویژه خود، امکان ارتقا کمی و کیفی یافته و این تجربه نشان‌دهنده آن است که امکان توسعه شاخص‌های ضعیف فرهنگی ایران با بهره‌گیری از تجربیات مشابه وجود دارد.

۳- آینده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران قویا نیازمند موفقیت در توسعه فرهنگی کشور است. این موضع تابع عضویت یا عدم عضویت در گات نیست، بلکه متأثر از شرایط فرهنگی بین‌المللی است. بدون توسعه شاخص‌های فرهنگی کشور، امکان حفظ ارزش‌های ملی و معنوی جامعه فراهم نخواهد بود.

۴- اولین شرط موفقیت جمهوری اسلامی ایران در توسعه فرهنگی، پذیرش واقعیت‌های مربوط به صحنه‌های بین‌المللی و توانایی‌های ملی است. بدون در نظر گرفتن این دو وجه، قادر نخواهیم بود نسبت به مقتضیات توسعه شاخص‌های فرهنگی، واقع بینانه اتخاذ تصمیم نماییم.

۵- بعنوان یک قاعده کلی باید پذیرفت که هر محصول فرهنگی بومی، به دلیل داشتن ویژگی بومی، جایگاه برتری نسبت به محصولات فرهنگی غیربومی پیدا می‌کند و در هر قضاوتی پیرامون اولویت‌ها باید این ویژگی را مدنظر قرار داد و به توسعه محصولات فرهنگی بومی اندیشید.

۶- صنایع فرهنگی این توفیق را دارند که اعتماد بنفس مسئولین و مردم کشورمان را نسبت به توان برتر اسلام در قیاس با جوامع توسعه یافته برای تولید فرهنگی برتر و بهتر و مطمئن‌تر جامعه اسلامی ایران بهبود بخشند. این توفیق را باید مغتنم دانست و در هر زمان از این اعتماد بنفس انرژی دهنده، برای توسعه فرهنگی بهره برد.